خشت اول

خیلی احتیاط کنید!

جوان ها باید ملتفت باشند که همچنانی که خودشان در این سن هستند و روز به روز به سن بالا می روند، علم و ایمانشان هم باید همین جور باشد. باید بدانید که ما مسلمانها، امتیازی از غیر مسلمانها نداریم الا به قرآن و عترت، و الا ما هم مثل غیر مسلمانها می شویم. اگر ما قرآن نداشته باشیم، مثل غیر مسلمانها هستیم، اگر ما عترت را نداشته باشیم، مثل مسلمانهایی که اهل ایمان نیستند هستیم.

باید ملتفت باشیم روز به روز در این دو امر ترقی بکنیم. همچنان که سنّ ما به بالا می رود، معلومات ما هم در همین دو امر، بالا برود. این طرف، آن طرف نرود و الا گم می شود، گمش نکنند؛ گمراهش نکنند؛ این دو اصل اصیل را از اینها نتوانند بگیرند.

می دانید چقدر پول به ما می دهند اگر اینها را به آنها بدهیم؟ لکن این پول ارزش ندارد، فردا از راه غیر مستقیم همین پول را از ما می گیرند و یک بلایی هم بر سر ما می آورند. اینها به ما وفا نمی کنند؛ تا خودشان استفاده‌شان را از ما بگیرند، دیگر کار ما را می سازند.

بالاخره باید ملتفت باشیم قرآن را یاد بگیریم، الفاظش را یاد بگیریم که از غلط، محفوظ باشد. آنچه را که می دانیم، قرائتش را تصحیح کنیم، تجویدش را تصحیح کنیم، در نمازمان صحیح القرائت باشیم.

و همچنین تفسیرهای آسان و ساده را ما که فارسی زبانیم، بدانیم؛ و [یک] تفسیر فارسی پیدا کنیم که از روی آن سهل باشد ما قرآن را بفهمیم؛ مثلاً «منهج الصادقین» را کم و بیش مطالعه کنیم، بلکه از اول تا به آخر، چون کتاب فارسی است و کتاب خوبی هم هست.

حفظ کنیم قرآن را که همیشه با ما باشد، ما با او باشیم، تحصن بکنیم به قرآن، تحفظ بکنیم به قرآن، وسیله حفظمان در فتن و شدائد دنیا قرار بدهیم. از خدا بخواهیم که از قرآن ما را جدا نکند، همچنین از خدا بخواهیم ما را از عترت جدا نکند که عترت با قرآن است و قرآن هم با عترت است، اگر کسی یکی از این دو تا را ندارد هیچ کدام را ندارد. ملتفت باشیم دروغ به ما نگویند و دروغ خودشان را به ما نفروشند! از مردم دنیا، دروغ را نخریم!

... خیلی احتیاط بکنید! احتیاط شما هم فقط در همین است که از یقین، تجاوز نکنید، باید خیلی سعی بکنید که غیر یقین را، داخل یقینیات ما نکنند، آب را توی شیر نریزند! اگر یک نفر، هزار کلمه حقیّ گفت، این هزار کلمه را خوب تأمل بکنیم، و از او بگیریم، بعد[تأمل کنیم که] هزار و یکم هم درست است؟ [یا] نه آن ظنّ است، یقین نیست.

هر کلمه ای از هر کسی شنیدید، دنبال این بروید که« آیا این صحیح است، تام است، مطابق با عقل و دین هست، یا نه؟ » [و بدانید که] در وقتی [که] ما خلوت کردیم [خداوند] مطلع است، وقتی جلوی مردم هستیم مطلع است، حرف می زنیم مطلع است، ساکتیم مطلع است.

همین که شخص مطلع شد: [که] « صاحب این خانه، صاحب این عالم، از هر فرد فرد، به تمام افعال و تروک، به تمام نوایا، مطلع شد، آنچه که نیت کرده و می کند، آنها را هم مطلع است؛ بلکه نیّت خیر را می نویسد؛ نیت شرّ را نمی نویسد تا شرّ محقق نشده؛ شر هم که محقق شد، یک مقدار صبر می کند تا ببیند، توبه می کند یا نه، برمی گردد یا نه »؟ کار تمام است.

مقصود، همین که انسان بداند که خدا می داند، کار تمام شد، دیگر معطل نباشد، همه چیز را تا به آخر می فهمد [که] چه باید بکند و چه باید نکند، از چه متنفع می شود و از چه متضرر می شود، [خداوند] ما را می بیند.

[آیا] می توانیم [با اینکه] سر سفره او نشسته ایم، با همدیگر نزاع بکنیم؟ [مثلاً] آن غذا را من جلوتر دیدم، من باید بخورم؛ او می گوید من اول این را برداشتم، من باید این غذا را بخورم، سر این دعوا بکنیم و مقاتله بکنیم؟! تمام این جنگهایی که حکومتها دارند، از همین قبیل است؛ سر سفره کریم نشسته اند، او هم می بیند.

دستور هم معلوم است که چیست، [خداوند] از چه خوشش می آید، از چه بدش می آید. از آزار به غیر حقّ، بدش می آید؛ از احسان به حق در جایش، خوشش می آید، همه اینها را می داند و ما هم می دانیم که او این دستور را داده و اینها را می داند و می بیند، آیا این کار[ها] را می کنیم؟

آدم جلوی یک نفر آدم عادی هر گونه معصیت نمی کند، با اینکه شخص عادی است، شاید قدرت من از قدرت او بیشتر باشد نتواند به من[کاری کند]، اما همین قدر به من بدبین می شود، با من بد می شود، یک وقتی اگر فرصت پیدا کرد کار ما را تصفیه می کند. اما خدا که این جور نیست، خدا قادر است و عالم است و دستور هم داده و می داند « چه کسی می داند و چه کسی نمی داند » ، همه اینها را می داند.

[آیا] جلوی او می توانیم مخفی بکنیم، یا نه آشکار کنیم طوری نمی شود، نمی تواند کاری بکند، آیا این جور است؟ [آیا] هیچ فایده برای ما دارد، [آیا] می توانیم مخفی کنیم؟

انسان، یا غیر انسان- مکلّف- به جایی شقاوتش می رسد که اصلاً این مطالب کأنه به گوشش نخورده که خدایی داریم بیناست، شنواست، داناست، قادرست، رحیم و کریم است. قادرست یک سر سوزنی اگر در راه او صرف بشود، مزدش را بدهد، یک همچنین [خدایی است].

در انجیل برنابا- که اقرب اناجیل به صحّت است- نوشته شده که حضرت عیسی علیه السلام برای ابلیس شفاعت کرد: « خدایا این مدتها عبادت تو را می کرد، تعلیمات می کرد، فلان می کرد، بیا از گناهانش بگذر »! با اینکه از زمان آدم تا زمان عیسی علیه السلام چه کارها، چه فسادها کرده بود. این چه نوری است که حتی به این هم ترحّم کرد [که گفت]: خدایا از تقصیراتش بگذر!

[خداوند] فرمود: « بله، من حاضرم ببخشم، بیاید بگوید: من گناه کردم، اشتباه کردم، ببخش، همین؛ بیاید بگوید: « اخطأت فارحمنی » ، بیاید این دو کلمه را بگوید. »

...ببینید چقدر ما به خودمان ظلم می کنیم که به سوی خدا نمی رویم، به سوی چه کسی می رویم؟ آخرش افتادن میان چاه است، آخرش پشیمانی است؛ خوب چیزی که می دانی آخرش پشیمانی است، حالا دیگر نرو.

...هیچ کس نیست که بگوید هیچ چیز نمی دانم، [اگر بگوید] دروغ می گوید هر کسی [که] هست، غیر معصوم بعضی چیزها را می داند و بعضی چیزها را نمی داند؛ آن چیزهائی را که می داند، اگر عمل کند، آن چیزهایی را که نمی‌داند می فهمد.

آن چیزهایی را که می دانید، عمل کنید؛ و آن چیزهایی را که نمی دانید، از حالا توقف کنید و احتیاط کنید تا روشن شود، وقتی به آنها عمل کردی روشن می شود؛ به همان دلیلی که اینها را برای شما روشن کرد، آنهای دیگر را هم روشن می کند.

... آنچه می دانی بکن و آنچه نمی دانی، احتیاط کن، هرگز پشیمان نخواهی شد.

■ آیت الله بهجت(ره)

نامه رسان

وقتی که آدم برفی قصه‌هایمان روی شعله عشق تو گم می‌شود ...وقتی دلتنگی ها سکوت می کند در مقابل نام تو...وقتی شعله مهرت تمام وجود سردم را در خزان دوریت گرم می کند...آرام می شوم!

گوشه ای به دور از این روزمرگی های جاهلانه می‌نشینم و فکرم را می فرستم به دنبال نشانه ای از تو در جای جای قلبم تا بدانم هنوز گرم...هنوز زنده و هنوز منتظرم. بیا و جبیره این کهنه زخم را تو ببند تا رمق جانم را برسانم به گرد پایت و در بوسه گاه قدمگاهت به عرش برسم. من هنوز خاک نشین تلی از دلتنگی هایی هستم که جمعه به جمعه با نسیم یاد تو اشک جاری می کند از این چشمان سپید مانده بر جاده انتظارت...

بیا و دلتنگی ها را از جانمان بگیر عزیز...

*

می گویند هوا ابری است، چرا نباشد؟ من به آسمان حق می دهم دلش بگیرد از این همه بدی...من به زمین حق می دهم از آنچه می گذرد غمگین شود و هر از چند گاهی فریادش زمینیان را بلرزاند. من به جاده هایی که تمام نمی شوند حق می دهم مه آلوده شوند. همه این گونه بی تو افسرده اند؛ بیا و ما را خلاص کن از این همه حجم دلتنگی ...

■ سیده زهرا اخلاقی

نسل سوم: ایمیل‌های شما رسید: فرشته فلاحی از شهریار، سعید سرافراز، مجتبی حسینی، مجید دایی، الهه زندی.

ستون های صفحه نسل سوم را شما بنویسید:
mirzaghalamdun@gmail.com
برای رویت «انتهای کیفیت» به نسخه پی دی اف
در سایت کیهان و صفحه نسل سوم مراجعه کنید:
WWW.KAYHANNEWS.IR

توصیه‌های کاربردی برای تنفس بهتر در ماه ترین ماه خدا

«بیست» برای آنها که دنبالش هستند

«اولین و مهم ترین قدم خودسازی این است که انسان به خود و به اخلاق و رفتار خود با نظر انتقادی نگاه کند؛ عیوب خود را با روشنی و دقت ببیند و سعی در برطرف کردن آن ها داشته باشد . این از عهده ی خود ما برمی آید و این تکلیفی بر دوش ماست . طیب خودتان باشید . بهترین کسی که می تواند بیماری ما را تشخیص دهد ، خودمان هستیم . بیاورید روی کاغذ . بنویسید «حسد» . بنویسید «بخل» . بنویسید «بدخواهی برای دیگران؛ وقتی کسی به خیری می رسد ، ما ناراحت می شویم . » بنویسید «تنبلی در کار» . بنویسد «روح بدبینی به نیکان و صالحان» . بنویسید «بی اعتنایی به وظایف» . بنویسید «علاقه به خود» شدیداً به خودمان علاقه داریم . « ماه رمضان فرصتی است که یکی یکی این بیماری ها را تا آن جایی که بشود، برطرف کنیم . . . »آنچه می خوانید توصیه‌های رهبر انقلاب است برای من و شما و برای این روزهای عزیز و گرم و آفتابی .

■ تحریریه نسل سوم

۱. پولادین می‌شویم اگر ...

در درجه ی اول، جوان دانشجو و دانش آموز باید خودسازی کند. خودتان را با تربیت دینی بسازید. امور تربیتی خوب است. معلم تربیتی خوب است. گوینده ی تربیتی خوب است، اما آن کسی که از درون خود، موعظه کننده و تربیت کننده ای نداشته باشد، -واعظُ منْ نَفْسه- این تربیت ها به کارش نمی آید. خودَتان را بسازید، با نفس مبارزه کنید، اجرای حکم الهی را در محدوده ی شخص خودتان بزرگ بشمارید و به نماز، به توجه به خدا، به دعا و به توکل اهمیت بدهید. این شما را پولادین خواهد کرد. ۱۵ آبان ۷۰

۲. فرعون درون

ما باید سعی کنیم که روح بندگی را در خودمان زنده نماییم. بندگی، یعنی تسلیم در مقابل خدا، یعنی شکستن آن بتی که در درون ماست. آن بت درونی ما -یعنی من- در خیلی جاها خودش را نشان می دهد. وقتی که منفعتت به خطر بیفتد، کسی حرفت را قبول نکند، چیزی مطابق میل تو -ولو خلاف شرع- ظاهر بشود، یا سر دو راهی قرار بگیری، -یک طرف منافع شخصی، یک طرف وظیفه و تکلیف- در چنین تنگناها و بزن گاه هایی، آن من درونی انسان سر بلند می کند و خودش را نشان می دهد.

اگر ما بتوانیم این من درونی، این هوای نفس، این فرعون باطنی، این شیطانی را که در درون ماست، مهار کنیم، یا اقلاً قدری مهار کنیم، همه‌ی امور اصلاح خواهد شد. قبل از هرچیز، خود ما آدم خواهیم شد و به فلاح خواهیم رسید. ماه رمضان، مقدمه ی این است. روزه، نماز باتوجه، انفاقات، حتّی جهاد فی سبیل اللّه، برای رسیدن به چنین دنیایی است که مردم بنده ی خدا باشند.

۲۶ اردیبهشت ۶۹

۳. یک ساعت برای خودمان

دعا کنید. نافله بخوانید. توجه پیدا کنید. متذکر باشید. در شبانه روز یک ساعت را برای خودتان و خدای خودتان قرار بدهید. از کارها و اشتغالات گوناگون خودتان را بیرون بکشید. با خدا و با اولیای خدا و با ولی عصر عجل الله تعالی فرجه و ارواحنافداه، مأنوس بشوید. با قرآن مأنوس باشید و در آن تدبر بکنید . ۲۳ تیر ۷۰

۴. هر روز و هر روز

قرآن خواندن هر روز را فراموش نکنید. هر روز حتماً قرآن بخوانید. هر مقداری می توانید. آن هایی که ترجمه ی قرآن را می فهمند، با تدبّر به ترجمه نگاه کنند. آن هایی که ترجمه ی قرآن را نمی فهمند، یک قرآن مترجم خوب -که الحمدلله زیاد هم داریم- کنار دستشان بگذارند و به ترجمه ی آن نگاه کنند. ممکن است ده دقیقه صرف وقت کنید و یک صفحه یا دو صفحه بخوانید، اما هر روز بخوانید. این را یک سیره ی قطعی برای خودتان قرار دهید. علامت بگذارید، فردا از دنباله اش بخوانید.

۸ شهریور ۸۴

۵. بگذارید در ذهنتان حک شود

تلاوت قرآن یک فضیلت بزرگ و یک ثواب است، اما این تلاوت وسیله ای برای رسیدن به معرفت است. این قرآن یک اقیانوس عظیم است. هرچه بیشتر جلو بروید، تشنه تر می‌شوید و علاقه مندتر می شوید و دل شما روشن تر می شود. در قرآن باید تدبّر کرد. من باز هم از شما جوانان خواهش می کنم که با معانی قرآن انس پیدا کنید و ترجمه ی قرآن را بفهمید. من بارها این را از جوانان خواسته ام و بسیاری هم اقدام کرده‌اند. قرآن را که هر روز تلاوت می کنید، هرچه تلاوت کردید، ترجمه‌ی آن را هم نگاه کنید. بگذارید این مفاهیم در ذهن جوان شما حک شود. در آن صورت فرصت تدبّر پیدا خواهید کرد.

۹ آبان ۱۳۷۹

۶. حضور قرآن در ذهن

شما جوانان و نوجوانانی که قرآن را فرامی گیرید، این را بدانید که یک ذخیره مادام العمر برای اندیشیدن و فکر کردن را برای خودتان فراهم می کنید. این چیز بسیار باارزشی است. ممکن است در سنین جوانی، معانی و معارف عمیقی را از آیات قرآن استنباط نکنید و نتوانید درست بفهمید -فقط چیزهای سطحی و اندکی از معارف را بفهمید- اما به موازات بالا رفتن سطح معلومات و پیشرفت علمی، از آیات قرآن که در حافظه و ذهن شما قرار دارد، بیشتر استفاده می کنید. حضور قرآن در ذهن انسان، نعمت بسیار بزرگی است. فرق است بین کسی که برای مطلبی، بارها آیات قرآن و فهرست های قرآنی را جست‌وجو می کند تا ببیند در این باره آیه ای وجود دارد یا نه، با آن کسی که آیات قرآن در ذهن و دل و جلو چشم اوست و نگاه می کند و آن چه را که در هر بخشی از معارف اسلامی به آن نیاز دارد، از قرآن استنباط و استخراج می کند و روی آن فکر و تأمّل می کند و از آن استفاده می برد. اُنس با قرآن در دوران کودکی و نوجوانی، تا دوران جوانی، یک نعمت بسیار بزرگ است.

۲۸ شهریور ۱۳۸۰

۷. پایان جوشش

وقتی نماز جماعت می خوانید، نماز شما باید همراه با توجه به پروردگار و خشوع در مقابل او باشد. وقتی اعتکاف می کنید، وقتی روزه می گیرید، وقتی اجتماعات مذهبی تشکیل می دهید، باید هم راه با توجه به خدای متعال و هم راه با اخلاص باشد. کلید موفقیت این هاست. اگر این نباشد، همان چیزی بر سر انسان خواهد آمد که دیدید بر سر عده ای آمد. عده ای در اول انقلاب خیلی تند و داغ و پُرشور بودند، اما متأسفانه فکر دینی آن ها عمق نداشت؛ با اولین باد سردی که از طرف تبلیغات دشمنان آمد، برگ و بار انقلابیشان ریخت و جوشش انقلابیشان تمام شد. بعضی ها صدوهشتاد درجه این طرف غلتیدند. [...] این به خاطر نداشتن عمق است. به این دلیل استَ که ریشه ی اعتقادی و فکری وجود ندارد .

۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۴

۸. همه می توانند

همه ی مردم و بالخصوص جوانان عزیز، این ارتباطی را که به برکت این روزهای مبارک و شب های نورانی با خدای متعال پیدا کرده اند، نگذارند قطع شود. این رابطه ی با خدا را حفظ کنید. وسیله ی حفظ این رابطه هم در اختیار همه هست. اگر همین نماز پنج گانه، با توجه، با حضور قلب و با این توجه که در مقابل خدا ایستاده‌ایم، خوانده شود، بهترین رابطه است و روزبه روز دل شما را نورانی تر خواهد کرد. آن جوان هایی که شب های قدر در مساجد، حسینیه ها و حرم های مطهر گرد هم آمدند، گریه کردند، دعا خواندند، قرآن سر گرفتند، احیاء گرفتند و دل هایشان را با نور محبت الهی نورانی کردند، این رابطه را حفظ کنند که از آن بهره مند خواهند شد. إن شاءالله در طول زمان، در سال های دیگر، روزبه روز این رابطه بیشتر خواهد شد. انسان از این راه هست که به کمال مطلوب و غایت خلقت خود، دست خواهد یافت. موفقیت در همه ی میدان های زندگی هم به همین وابسته است .

۲ آبان ۱۳۸۵

۹. بالاترین خطر

اگر بخواهیم استغفار- این نعمت الهی- را به دست بیاوریم، دو خصلت را باید از خودمان دور کنیم، یکی غفلت و دیگری غرور. غفلت، یعنی انسان به کلّی متوجّه و متنبّه نباشد که گناهی از او سر می زند. مثل بعضی از مردم [...] بعضی از این افراد غافل، اصلاً به ثواب و عقاب عقیده ای ندارند. بعضی به ثواب و عَقاب هم عقیده دارند، اما غرق در غفلتند و اصلاً ملتفت نیستند که چه کار می کنند. اگر این را در زندگی روزمرّه ی خودمان قدری ریز کنیم، خواهیم دید که بعضی از حالات زندگی ما شبیه حالات غافلان است. غفلت، دشمنی بسیار عجیب و خطر بزرگی است. شاید واقعاً برای انسان هیچ خطری بالاتر و هیچ دشمنی بزرگ تر از غفلت نباشد. [...] در اصطلاحات قرآنی، آن چیزی که نقطه ی مقابل این غفلت است، تقواست. تقوا، یعنی به هوش بودن و دائم مراقب خود بودن. ۲۸ دی ۱۳۷۵

۱۰. بازگشت به خدا

لازم نیست که اگر انسان می خواهد احساس گناه کند، حتماً بایستی سال های متمادی غرق در گناه شده باشد. نخیر؛ یک گناه هم یک گناه است. نباید گناه را کوچک دانست. در روایات باب «استحقار الذّنوب» داریم که حقیر شمردن گناهان را مذمّت کرده اند. علت این که خدای متعال می فرماید «می آمرزیم»، این است که بازگشت به خدا، خیلی مهم است؛ نه این که گناه، کم و کوچک است. گناه، عمل بسیار خطرناکی است، منتها بازگشت و توجّه به خدا و ذکر او، این قدر اهمیت دارد که اگر کسی این را صادقانه و درست و حقیقی انجام دهد، آن وقت آن بیماری صعب العلاج از بین می رود.

۲۸ دی ۷۵

۱۱. از خدا بخواهید

همه جور حاجت را می شود از خدا خواست و باید خواست؛ حتّی حاجت های کوچک. اما این درخواست خود را به این حاجات کوچک منحصر نکنید. حاجات بزرگ‌تری هست؛ آن ها را از یاد نبرید. بزرگ ترین آن ها «مغفرت الهی» است. از خدا بخواهید که آثار به جامانده ی از تخلف و گناه را از دل و جان ما برطرف بفرماید؛ از خدا بخواهید که راه توبه را برای شما هموار کند. حاجت بزرگ دیگر «محبت الهی» است. مقام حُبّ الهی را از خدای متعال طلب کنید. حاجت بزرگ دیگر «اصلاح امور امت اسلامی» است. از خدا بخواهید خدای متعال امور همه ی مسلمان ها -نه فقط ملت ایران را- و همه ی کشورهای اسلامی را اصلاح کند. بلکه از خدای متعال هدایت بشریت را به راه راست بخواهید. این دعاها اقبال استجابت زیادی دارد و همین دعاها اثر می کند. راه ها را باز می کند. وسائل را آسان می کند و ما را در رسیدن به این مطلوب های بزرگ کمک می کند .

۲ آبان ۱۳۸۵

۱۲. علامت بد

نمی دانم روایت از معصوم علیه السّلام است یا عبارتی از غیر معصوم؛ هرچه هست، عبارت حکمت آمیزی است. می گوید: «اَنَا مِنْ أَسْلُبَ الدُّعاءَ اَخْوَفُ مِنْ أَنْ أُسْلُبَ الإجابَةَ؛ از این که دعا از من گرفته شود، بیشتر می ترسم تا این که اجابت از من گرفته شود.» گاهی حال دعا از انسان گرفته می‌شود. این علامت بدی است. اگر دیدیم در وقت دعا، در وَقت تضرّع و در وقت توجه و تقرّب، هیچ نشاط و حوصله ی دعا نداریم، علامت خوبی نیست. البته درستش هم می شود کرد. انسان می تواند با توجّه، با التماس و با خواستن، حال دعا را به طور جدّی از خدا بگیرد.

۲۸ بهمن ۱۳۷۳

۱۳. هرچه می خواهد دل تنگت

در روایات دارد وقتی برای حاجاتی دعا می کنید، دعا و خواسته ی خود را زیاد ندانید. یعنی هرچه مایل هستید و می‌خواهید، از خدا طلب کنید. نگویید این زیاد است؛ کمتر بخواهم تا بشود. ما از استکثار دعا منع شده ایم. یعنی دعا و مطلوب را در مقابل پروردگار زیاد نشمارید. از خدا خواسته های بزرگ بخواهید و خدای متعال برآورده می کند. در امید به دعا را به روی خودتان نبندید و این راه و وسیله ای را که خدای متعال بین خود و بندگانش قرار داده است، بر روی خودتان مسدود نکنید. البته باز در روایات دارد «النّهیُ منَ الإستَعْجال فِی الدّعاء»، یعنی در دعا عجله نکنید. اَگَر چیزی را خواستید و در زمانی که شما خواستید برآورده نشد، نگویید که خدای متعال دعای مرا مستجاب نکرد، نه. «الأمُورُ مَرْهُونَةٌ بِأوْقاتِها.»

۷ اسفند ۱۳۷۱

۱۴. این‌ها را هم!

در دعا همت بلند داشته باشید. درخواست های بزرگ بکنید. سعادت دنیا و آخرت را بخواهید و نگویید این ها بزرگ است، این ها زیاد است؛ نه. برای خدای متعال این ها چیزی نیست. عمده این است که شما به معنای حقیقی کلمه و با همین شرایط طلب کنید. خدای متعال این طلب را اجابت خواهد کرد. گاهی هم انسان نمی داند کاری که انجام گرفت، اجابت دعای او بوده. خود انسان غافل است .

۲۹ مهر ۱۳۸۴

۱۵. نقد را بچسب!

دعا مخصوص وقت گرفتاری نیست؛ همیشه باید دعا کرد. بعضی خیال می کنند وقتی گرفتاری و مصیبت و بلایی بود، باید دعا کرد؛ نه. آن وقتی هم که انسان در حال عادی زندگی می کند، باید دعا کند و رابطه را با خدا محفوظ نگه دارد. به تعبیر یکی از روایات، صدای خود را برای فرشتگان در ملکوت اعلی آشنا کند. دعا همیشه لازم است. [...] بزرگ ترین فایده ی دعا، فایده ی نقد دعاست که به خود شما دعاکننده می رسد. یعنی ایجاد رابطه با خدای متعال و احساس محبت و شوق به تقرب به پروردگار عالم. این، نقدترین دستاورد دعاست که متعلق به خود شما دعاکننده است؛ بحث استجابت بحث دیگری است . ۲۹ مهر ۱۳۸۴

۱۶. داستان استجابت

لازم نیست دعا همیشه قوانین طبیعی را به هم بزند و برخلاف قوانین طبیعی عمل کند؛ نه. دعا در چارچوب قوانین طبیعی مستجاب می شود و خواسته ی شما برآورده می گردد. این قدرت خداست که قوانین را جور می آورد، کنار هم می گذارد و مقصود شما برآورده می شود. [...] اگرچه در مواردی بلاشک دعا قوانین را هم خرق می کند، اما این طور نیست که وقتی می گوییم دعا مستجاب می‌شود، یعنی دعای شما اگر با قوانین دیگر الهی منافات داشته باشد و عملی هم راهش نباشد، و یا حتّی خود دعا از روی توجّه هم نباشد، باز مستجاب می‌شود؛ نه. در دعا، طلب کردن و خواستن از خدای متعال و حقیقتاً مطالبه کردن لازم است. این دعا مستجاب می شود. اگر عمل و تلاش در راه اهداف بزرگ، هم راه این دعا باشد، اقبال استجابت این دعا واقعاً بیشتر است. آن وقتی که دعا استمرار پیدا کند، حتماً اقبال استجابت در این دعا بیشتر است. اگر دیده شد که یک دعا چند بار تکرار گردید و مستجاب نشد، نباید مأیوس شد؛ به خصوص در مسائل بزرگ، به خصوص در مسائل مربوط به سرنوشت انسان و سرنوشت کشور و سرنوشت ملت ها. چون گاهی طبیعت کارهای بزرگ چنین است که تحققش زمان می‌طلبد. ۴ دی ۱۳۷۷

۱۷. باز بخواهید و بخواهید

یکی از شرایط استجابت دعا این است که آن را با توجه مطرح کنیم. گاهی لقلقه ی زبان، جملاتی چون «خدایا ما را بیامرز»، «خدایا به ما سعه ی رزق بده» و «خدایا قرض ما را ادا کن» است. ده سال انسان این گونه دعا می کند، اصلاً مستجاب نمی شود. باید تضرع کنید و جدی بخواهید. باید از خدای متعال با الحاح بخواهید. باز بخواهید و باز بخواهید. در این صورت البته خدای متعال دعاها را مستجاب خواهد کرد . ۷۳/۱۱/۲۸

۱۸. هم پای دانایی

توصیه می کنم که به عمق ها توجه کنید و آن را بطلبید؛ از ظواهر هم دست نکشید. این خطاست که کسی خیال یا توهم کند که باید باطن را درست کرد، ظاهر مهم نیست؛ نه خیر، همین ظاهر انسان را به وادی های گوناگونی می کشاند. ظاهر دینی، ظاهر اسلامی، پای بندی به تعبد دینی، همین مجالس دعا، همین مجالس توسل به ائمه علیهم السّلام لازم است، منتها همه ی این ها را با دانایی همراه کنید.

۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۴

۱۹. قدر جوانی

مهم ترین مظهر قدردانی از جوانی همین است که از این صفا و نورانیت و از این ناآلودگی و پیراستگی طبیعی انسان جوان استفاده کنید و خود را در زمینه های تزکیه و اخلاق پیش ببرید. این إن شاءالله ذخیره ی همه ی زندگی شما خواهد شد. راهش هم رعایت دو نکته است؛ ذکر و توبه. ذکر یعنی یاد. یاد در مقابل غفلت است؛ غفلت از خدا، غفلت از وظیفه و مسئولیت، غفلت از هنگام حساس مواجهه با مأموران الهی در عالم ملکوت، عالم بعد از عبور از جسمانیت، و محاسبه ی بزرگ انسان در مقابل خدا در قیامت. این یادها تعیین کننده است. [...] نکته ی دیگر توبه است. ممکن است کسی بگوید ما که جوانیم و هنوز عمری از ما نگذشته که مثل شما گناه زیادی کرده باشیم و محتاج توبه باشیم. نه، این درست نیست؛ توبه وظیفه ی همیشگی انسان است. پاک ترین انسان ها هم باید توبه کنند. ۲۲ اردیبهشت ۱۳۸۲

۲۰. ما بیشتر...

علاوه بر این که هر فرد مسلمانی احتیاج دارد به این که در این ماه ذخیره‌ی تقوا و پرهیزگاری و تهذیب و تزکیه را برای خود فراهم کند، ما منسلکین در سلک روحانیت، بیشتر از دیگران به این معنا احتیاج داریم. به‌قول آن عارف معروف که می گوید: آب که از برکات الهی است، همه ی پلیدی ها و ناپاکی ها را از بین می برد. هر جسمی که با آب تماس می گیرد، پاک می شود، ولی خود آب تحت تأثیر تماس با ناپاک ها و ناپاکی ها، به تصفیه احتیاج پیدا می کند و خدای متعال در یک گردش طبیعی، آب را به بخار تبدیل می کند؛ به آسمان می برد، از بالا مجدداً به صورت قطرات باران به زمین برمی گرداند، پلیدی ها را از آن جدا می کند، آن را تصفیه می کند و باز به صورت ماء طهور در اختیار افراد انسان و سایر موجودات قرار می دهد.

گوینده ی این سخن حکمت آمیز می گوید: این جان شما، معارف شما، نصایح شما، بلکه خود قلب و روح شما، همان ماء طهوری است که ناپاکی ها را از انسان ها می زداید، اما خود این ماء طهور به تدریج به تصفیه و تزکیه احتیاج پیدا می کند و تزکیه و تصفیه ی آن، جز با یک گردش معنوی، جز با یک گردش معنوی به سمت علویات -که آن هم با ذکر و دعا حاصل خواهد شد- ممکن نمی شود. با ذکر، با توجّه، با توسّل، با مناجات، با نافله، با تضرّع در مقابل خداوند، با تفکّر در آیات آفاقی و انفسی، این ماء طهور باز همان طهارت خود را به دست می آورد؛ آماده می شود تا باز هم با پلیدی ها مواجه گردد و آن ها را از جسم و جان بشر و عالم بزداید. ماه رمضان فرصت این عروج معنوی است. ۳ دی ۱۳۷۶

یادداشت سوم

مراقب این فضا باشیم

اینترنت فضایی است که نه مدیریت اش برای ماست و نه بستر های نرم افزاری و سخت افزاری آن. باید آن قدر توانا و قدر بود تا با گارد باز بتوان چند ضربه ای به دشمن زد و به عقب برگشت. در جایی که سند رمز گذاری و رمز گشایی با الگوریتم های قابل خوانش برای دشمن به ثبت رسیده، هندوانه گذاشتن زیر بغل خود چه نتیجه ای را به بار خواهد آورد؟

اصلا یک قدم جلوتر رفته و به سیر حوادث سایبری در سال آخر ریاست جمهوری بوش نگاهی بیندازیم. ابتدای ژوئن امسال اسناد محرمانه راهبری مستقیم امریکا در عملیات سایبری علیه تاسیسات صنعتی و هسته ای ایران لو رفت که بلافاصله مک کین به این اقدام به شدت معترض شد.

در این سند آمده در سال آخر راهبری بوش، ویروس The bug علیه ایران توسعه یافت و بعد با همکاری اسرائیلی ها در زمان اوباما تبدیل به استاکس نت شده و سانتریفیوژ های ما مورد هدف قرار گرفتند. ویروس ف.لیم (flame) نیز همگان می دانند ادامه همان سیاست بوده و چه بسا ممکن است نسخه های به روز شده ویروسهای جدید در حال تخریب زیر ساخت صنعتی ما باشد. (در گزارش آمده با دوربینهای اتاق کنترل سانتریفیوژ روی لپ تاپ و ... همه چیز را می دیدند!)

در زمانی که پای کامپیوتر شخصی مان هستید، دوربین و میکروفون لپ تاپ و دسکتاپ مان روشن است و اطلاعات ما در حال رفتن.

به دلیل نداشتن زیر ساخت مناسب سخت افزاری و نرم افزاری، حتی اگر شبکه ملی مان را نیز راه اندازی کنیم، در معرض خطر خواهیم بود. آن وقت کل بک آپ سرورهای ملی مان یک جا دزدیده خواهد شد و ما برای امن کردن آن، هنوز هیچ کاری نکرده ایم.

خریدن سرورهای غول پیکرخارجی، دردی را دوا نمی کند. شاید آن سرورها قبل از ورود به ایران توسط دشمن برنامه نویسی شده اند وگرنه ماشینهای ها.تک سیسکو در مخابرات ملی ما، جای پز دادن ندارد!

ما نیازمند ساخت سیستم عامل جدید بدون کپی کردن از خارج و با رمزنویسی گرید بالا (همان کاری که چینی ها برای خودشان چند سال پیش کردند) هستیم تا روی بورد های داخلی برنامه نویسی شده و قابل خوانش در ارتباط با دنیای بیرون از خود با مشابه های خارجی باشد.

در غیر این صورت باید در زمین دشمن نبرد کرده و دور پیروزی را خط بکشیم تا به بازی باخت (یا با نهایت خوش شانسی به مساوی) قانع شویم. باید بیش از این مراقب فضای اینترنت باشیم؛ این هدیه دشمن در خانه ماست که کارمان را راه می اندازد اما کار خودش را هم انجام میدهد. می شود و می توانیم فضا را به نفع خود کنیم.

■ علی خراسانی. کارشناس شبکه و اینترنت

تلنگر

و مرگ در همسایگی ماست و کسی از آمدنش خبری ندارد...اما خانه جدید ما چه می گوید؛ بد نیست با فریادهای قبر بیشتر آشنا شویم در نزدیکی شب‌هایی که تقدیر یک سال ما را به امضای صاحبمان می‌رسانند.

قبر در هر روز پنج کلمه را فریاد میزند.

۱. أنا بَیْتُ الْوَحْدَه فَاحْمِلوا الیّ أنیساً: من خانه تنهاییم پس با خود انیس و مونسی به سوی من آورید(تلاوت قرآن)

۲. أنا بَیْتُ الْظُّلْمَه فَاحْمِلوا الیّ سِراجاً: من خانه تاریکی هستم پس با خودتان چراغی به سوی من آورید (نافله شب)

۳. أنا بَیْتُ التُّرابُ فَاحْمِلوا الیّ فِراشاً: من خانه خاکی هستم پس با خودتان فرشی به سوی من بیاورید(عمل صالح)

۴. أنا بَیْتُ الْعِقابُ فَاحْمِلوا الیّ تَرْیاقاً: من خانه گزندگان هستم پس با خودتان پادزهری به سوی من بیاورید (لااله الا الله و محمد رسول الله و علی ولی الله)

۵. أنا بَیْتُ الْفَقْرُ فَاحْمِلوا الیّ کَنْزاً: من خانه فقر هستم پس با خودتان گنجی به سوی من بیاورید(صدقه)

ویتامینه

دیدگاه های رهبر معظم انقلاب درباره «آداب روزه داری و احوال روزه داران» منتشر شد. کتاب گزیده ای از مجموعه توصیه ها، نصایح، تحلیل ها و مواعظی است که در ماه های رمضان ۲۲ سال گذشته ـ از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۹۰ ـ در بیانات رهبر انقلاب ارائه شده است و حالا علیرضا مختارپور آنها را تدوین و در قالب کتاب منتشر کرده است.

در مقدمه کتاب آمده است: «در انتخاب مطالب این کتاب دو ویژگی مورد توجّه قرار گرفته، نخست: موضوع بیانات ماه مبارک رمضان، معارف دینی مربوط به روزه داری، آداب دعا، تکالیف مؤمنان در این ماه از نظر فردی، اجتماعی و سیاسی و نظایر آن باشد و دیگر آنکه صرفاً در محدوده زمانی حلول ماه مبارک رمضان تا پایان روز عید سعید فطر هر سال بیان شده باشد.»

تدوین کننده کتاب در بخش دیگری از مقدمه نوشته است: از مطالعه مطالب این کتاب و توجه به تاریخ و مخاطبان هر مطلب نکات مهمی از سیره رفتاری رهبر انقلاب در ماه مبارک رمضان به دست می آید از جمله:

«توجه به برپایی مجالس تلاوت قرآن کریم، محور قرار گرفتن مباحث مربوط به خودسازی ایمانی و